



مجمع کارآفرینان ایران
Iran Entrepreneurs Forum

خطر «چندپارگی ژئواکونومیک»

و

آینده چندجانبه‌گرایی

مرکز مطالعات استراتژیک کارآفرینی

مرداد ماه ۱۴۰۲

پس از چندین دهه حرکت به سوی «یکپارچگی اقتصاد جهانی»، در چند سال اخیر اما جهان در آستانه خطر «چندپارگی» قرار گرفته است. بهبود سطحی و نامتعادل «بحران مالی جهانی» با وقوع رخدادهایی همچون برگزیت، تنش‌های تجاری ایالات متحده و چین و افزایش تعداد درگیری‌های نظامی همراه شده است. دوران پس از بحران مالی جهانی، با یکپارچه‌سازی جریان‌های جهانی کالا و سرمایه و افزایش محدودیت‌های تجاری همراه بوده است. همه‌گیری کووید-۱۹ و حمله نظامی روسیه به اوکراین، روابط بین‌الملل را بیش از پیش به چالش کشیده و شک‌وت‌رديدها در مورد مزایای «جهانی‌شدن» را افزایش داده است.

این گزارش، پیامدهای بالقوه اقتصادی «معکوس شدن سیاست‌محور یکپارچگی اقتصاد جهانی» را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ فرآیندی چند بعدی که از آن به عنوان «چندپارگی ژئواکونومیک» (GEF / GeoEconomic Fragmentation) نام برده می‌شود. در واقع، منظور از چندپارگی یا تجزیه، معکوس کردن فرآیندی است که از مدت‌ها پیش، به طور مداوم منجر به افزایش یکپارچگی اقتصاد جهانی شده بود (و اغلب توسط ملاحظات استراتژیک هدایت می‌شد). این چندپارگی شامل معکوس شدن فرآیندهایی است که در امتداد مسیرهای مختلف آن، کشورها از نظر اقتصادی با یکدیگر در هم‌تنیدگی بیشتری پیدا می‌کردند، از جمله از طریق تجارت، جریان سرمایه، جابجایی کارگران در سراسر مرزهای ملی، پرداخت‌های بین‌المللی و همکاری چندجانبه برای تأمین کالاهای عمومی جهانی. به عبارت دیگر، هر آنچه کشورها را بیشتر با هم در آمیخته می‌کرد، به مرور شکلی وارونه به خود گرفته و در حال بیشتر کردن جدایی آن‌ها است. انگیزه پشت این چندپارگی و شکاف‌ها متفاوت است و عمدتاً شامل اهداف استراتژیک ملی، مانند ملاحظات امنیتی یا افزایش خودمختاری از طریق کاهش اتکا به سایر کشورها یا مناطق است. این روند، گاهی اوقات نیز ممکن است نتیجه اهداف اصلی سیاست‌های اقتصادی کشورها در داخل باشد؛ برای مثال تمایل به ایجاد انگیزه برای تولید و اشتغال در داخل مرزهای ملی، یا به عنوان واکنشی در برابر توزیع نابرابر سود حاصل از تجارت برخی کشورها را به سوی جدا شدن از وضعیت یکپارچه پیشین سوق می‌دهد. باید توجه داشت که چندپارگی ژئواکونومیک، شامل بروز تغییرات مستقل در حوزه اولویت‌ها یا فناوری نمی‌شود. به عنوان مثال، تغییر مسیر از سمت «تولید کالا» (که تمایل به تجارت بیشتر دارند) به سمت «خدمات» (که تمایل به تجارت کمتر دارند)، در تعریف چندپارگی ژئواکونومیک جای ندارد.

روشن است که مزایای «جهانی‌شدن»، از طریق مسیرهای پرشماری در جهان گسترش داده می‌شود. پیامدهای نامطلوب «چندپارگی ژئواکونومیک» در بسیاری از زمینه‌ها نیز احساس می‌شود. برای درک بهتر این مساله باید تاکید کرد که جهانی‌شدن اغلب به عنوان فرآیندی فزاینده از جریان آزاد ایده‌ها، افراد، کالاها، خدمات و سرمایه در میان کشورهای مختلف توصیف می‌شود که منجر به یکپارچگی اقتصادی بیشتر می‌شود. مراحل اصلی جهانی‌شدن را می‌توان با استفاده از معیار «باز بودن تجارت»، یعنی «مجموع صادرات و واردات همه کشورها نسبت به تولید ناخالص داخلی جهانی» سنجید.

برای چندین دهه، افزایش حجم تجارت در جهان، به شتاب رشد درآمد سرانه در سراسر کشورهای جهان و کاهش شدید فقر جهانی کمک کرده است. در حالی که در اقتصادهای پیشرفته، مصرف‌کنندگان کم‌درآمد به‌طور نامتناسبی از کاهش قیمت‌ها سود برده‌اند. از هم‌گسیختگی پیوندهای تجاری، برعکس، بیشترین تأثیر منفی را بر کشورهای کم‌درآمد و مصرف‌کنندگان کم‌برخوردار در اقتصادهای پیشرفته خواهد گذاشت.

در این مسیر، افزایش محدودیت‌ها در حوزه «مهاجرت برون مرزی»، اقتصادهای میزبان مهاجران را از نیروی کار ماهر ارزشمند محروم می‌کند و در عین حال، کشورهایی که مهاجران زیادی را به سایر مناطق جهان روانه می‌کنند، از منافع مادی این مساله، بی‌بهره خواهند شد. کاهش جریان سرمایه، مانع تعمیق مالی در کشورهای مقصد می‌شود، به ویژه از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم

خارجی که می تواند منبع مهمی برای گسترش فناوری باشد. این مساله همچنین، کاهش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه تامین کالاهای عمومی حیاتی جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.

با این همه، برآورد هزینه‌های ناشی از «چندپارگی ژئواکونومیک» با استفاده از مدل‌سازی‌های اقتصادی، نتایج بسیار متفاوتی را بدست داده است. مطالعات موجود نشان می‌دهد که هر چه چندپارگی و پراکندگی عمیق‌تر باشد، هزینه‌ها نیز رو به افزایش خواهد گذاشت. همچنین ممانعت از اشتراک‌گذاری فناوری‌ها در جهان، به طور قابل توجهی ضررهای ناشی از محدودیت‌های تجاری را تشدید خواهد کرد و هزینه‌های تعدیل نیز احتمالاً زیادتر خواهد شد. افزون بر این، اقتصادهای برآمده از بازارهای نوظهور و کشورهای کم‌درآمد احتمالاً به دلیل از دست‌دادن سرریزهای دانش، با بیشترین خطرات ممکن روبه‌رو خواهند شد. بسته به مفروضات این مدل‌سازی‌ها، افزایش هزینه تولید جهانی ناشی از چندپارگی تجارت می‌تواند از ۰/۲ درصد تا حداکثر ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها متغیر باشد.

«چندپارگی ژئواکونومیک» می‌تواند نظام پولی بین‌المللی و شبکه ایمنی مالی جهانی (GFSN / Global Financial Safety Net) را نیز تحت فشار قرار دهد. «جهانی‌سازی مالی» می‌تواند جای خود را به «منطقه‌ای‌سازی مالی» و یک نظام پرداخت جهانی پراکنده بدهد. با تشریک کمتر ریسک بین‌المللی، «چندپارگی ژئواکونومیک» احتمالاً منجر به وقوع نوسانات کلان اقتصادی، بحران‌های شدیدتر و فشارهای بیشتر بر ضربه‌گیرهای ملی خواهد شد. در مواجهه با خطرات چندپارگی، کشورها ممکن است به دنبال تنوع بخشیدن به دارایی‌های ذخیره سنتی باشند - فرآیندی که می‌تواند با دیجیتالی‌سازی تسریع شود - که به طور بالقوه به نوسانات مالی بالاتر، حداقل در دوران گذار منجر می‌شود.

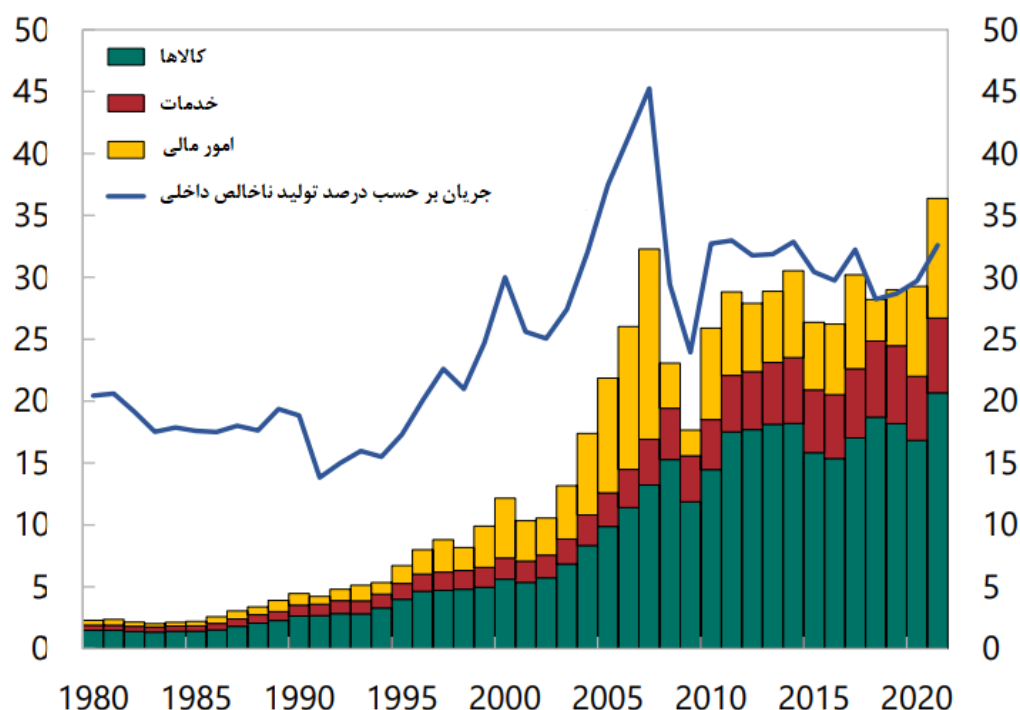
با ممانعت از همکاری‌های بین‌المللی، «چندپارگی ژئواکونومیک» همچنین می‌تواند ظرفیت «شبکه ایمنی مالی جهانی» برای حمایت از کشورهای بحران‌زده را تضعیف و حل بحران‌های بدهی دولتی آینده را پیچیده‌تر کند. برای جلوگیری از این گسیختگی، نظام چندجانبه مبتنی بر قوانین باید با جهان در حال تغییر سازگار شود که شامل تجارت بین‌المللی و سامانه‌های پولی می‌شود. با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی کنونی، احتمالاً پیشرفت از طریق «حصول اجماع چندجانبه» امکان‌پذیر نباشد و «اعتماد»، بسته به ترجیحات و تمایل کشورها برای همکاری با یکدیگر، ممکن است به تدریج از طریق تعاملات متفاوت بازسازی شود. در جایی که ترجیحات به‌طور گسترده همسو هستند، «همکاری چندجانبه» بهترین رویکرد برای حل و فصل چالش‌های جهانی است. در زمینه‌هایی مانند تغییرات آب‌وهوایی و همه‌گیری‌های جهانی، چنین همکاری‌هایی ضروری است. رسیدگی به این چالش‌ها نیازمند تلاش مشترک همه سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول است و برای اینکه در جهانی مستعد شوک، موثرتر عمل کند باید به خوبی در جایگاه نمایندگی خود در شبکه ایمنی مالی جهانی، نقش آفرینی کند.

وضعیت کنونی یکپارچگی اقتصاد جهانی

ساختار اقتصاد کنونی جهان و نهادهای چندجانبه آن عمدتاً توسط دوران «آزادسازی» شکل گرفته است. در کنار ادغام تقریباً همه کشورها در اقتصاد جهانی، نظام کنونی دارای چندین ویژگی مهم است.

شبکه ارتباط بین کشورها بسیار پیچیده شده است. علاوه بر تجارت کالا، تجارت خدمات نیز در دو دهه گذشته رشد چشمگیری داشته است. هم «حجم» و هم «نوع» جریان‌های مالی فرامرزی نیز گسترش یافته است. تحرکات فرامرزی «افراد» و «اطلاعات» به

نقطه اوج جدیدی رسیده است. نقاط گوناگون جهان بیش از هر زمان دیگری به هم متصل شده، به طوری که تعداد کاربران اینترنت در سال ۲۰۲۲ به نزدیک به ۶۶ درصد از جمعیت کل جهان رسیده است.



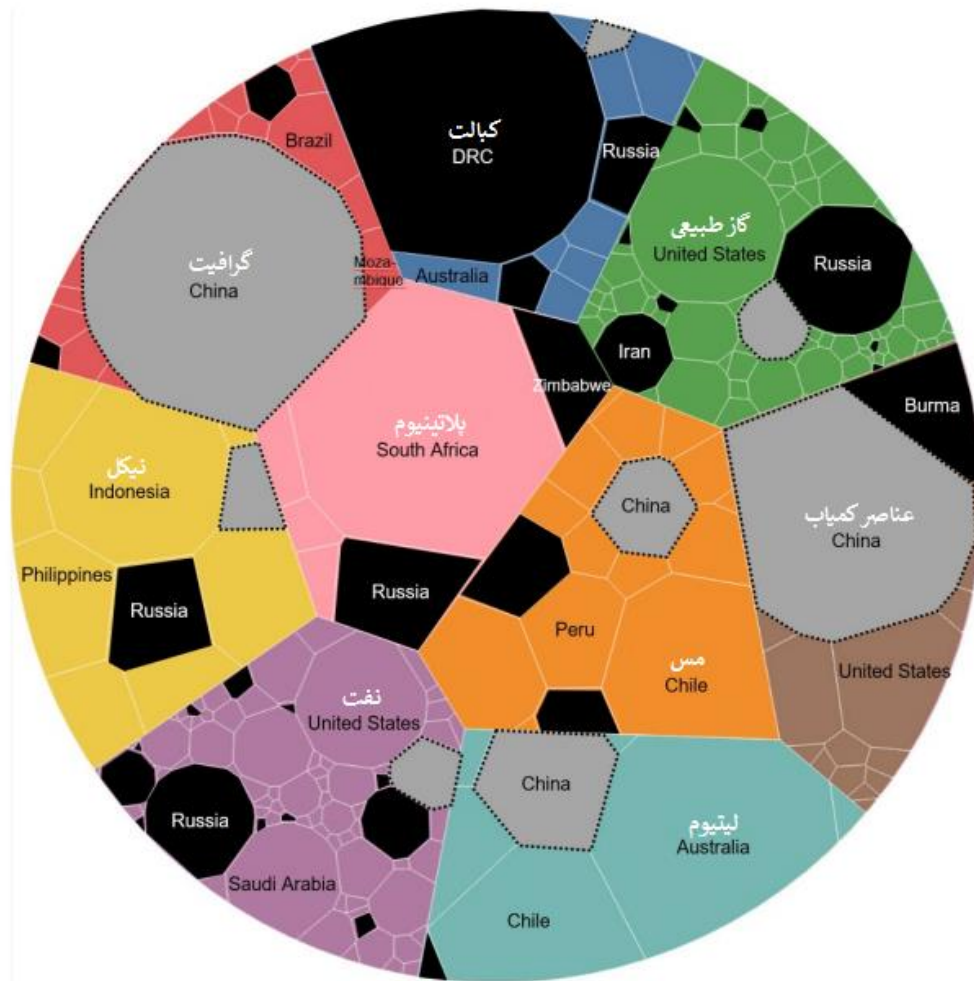
Sources: IMF Balance of Payments, World Bank and IMF staff calculations

Note: The figure shows exports only.

شکل ۱. جریان جهانی کالاها، خدمات و امور مالی (تریلیون دلار)

زنجیره‌های تامین به شدت بین‌المللی شده‌اند. این امر از طریق «برون‌سپاری تولید و برخی خدمات» به کشورهای دارای نیروی کار ماهر اما ارزان‌تر رخ داده است. در نتیجه، میزان تجارت کالاهای واسطه‌ای اکنون اندکی از تجارت کالاهای نهایی فراتر رفته است.

تولید بسیاری از کالاهای حیاتی به شدت متمرکز شده است. در حالی که افزایش تخصص، منجر به افزایش بهره‌وری شده اما از طرفی، موجب افزایش شکنندگی زنجیره‌های ارزش جهانی نیز شده است. به عنوان مثال، در حالی که ایالات متحده بر زنجیره تامین نفت و گاز تسلط دارد، چین بازیگر غالب مواد معدنی و انرژی‌های پاک است. این امر، زنجیره‌های ارزش جهانی را نه تنها در برابر قدرت بازار و خطرات لجستیکی، بلکه در برابر اختلالات ناشی از تحولات ژئوپلیتیکی، از جمله محدودیت‌های تجاری، آسیب‌پذیر می‌کند. شکل ۲ تمرکز بالای تولید جهانی کالاهای کلیدی را در حالی نشان می‌دهد که برخی از تولیدکنندگان بزرگ، تحت تحریم هستند.

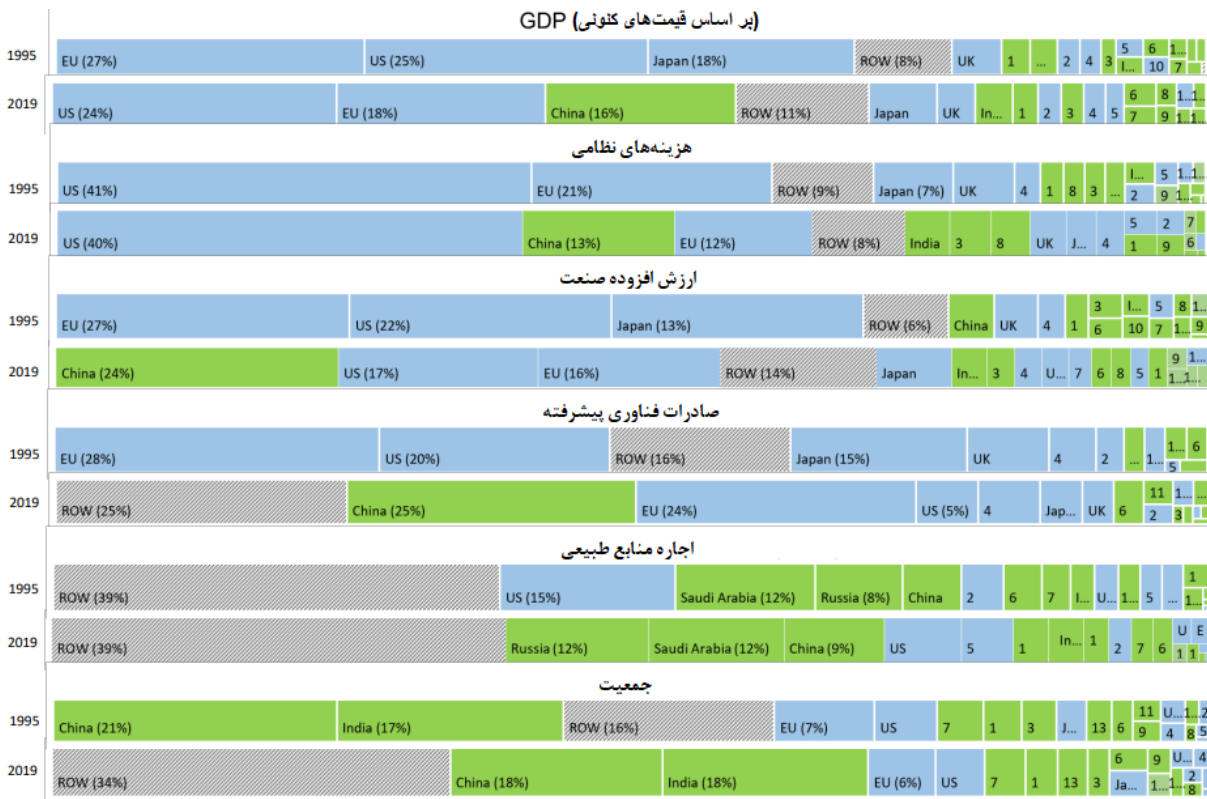


Sources: IEA, USGS, and IMF staff calculations.

Note: Countries shaded in black are under sanctions; China is denoted in gray.

شکل ۲. ساختار تولید جهانی: کالاهای انتخابی، ۲۰۲۰

اقتصاد «بازارهای نوظهور»، نقش مهمی در نظام اقتصادی جهانی ایفا می‌کنند. شکل ۳ سهم «اقتصادهای پیشرفته» و «بازارهای نوظهور» را در تولید ناخالص داخلی جهانی، هزینه‌های نظامی، ارزش افزوده صنعت، صادرات فناوری پیشرفته، اجاره منابع طبیعی و جمعیت در سال ۱۹۹۵ و ۲۰۱۹ (درست قبل از همه‌گیری کووید-۱۹) نشان می‌دهد. در حالی که اتحادیه اروپا، ژاپن، بریتانیا و ایالات متحده ۷۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را در سال ۱۹۹۵ به خود اختصاص داده بودند، وزن آنها تا سال ۲۰۱۹ به حدود ۵۰ درصد کاهش یافت.



Sources: World Bank and IMF staff calculations.

Note: Industry comprises value added in mining, manufacturing, construction, electricity, water, and gas. Value added is the net output of a sector after adding up all outputs and subtracting intermediate inputs. The estimates of natural resources rents (oil, gas, coal, and other minerals) are calculated as the difference between the price of a commodity and the average cost of producing it. This is done by estimating the price of units of specific commodities and subtracting estimates of average unit costs of extraction or harvesting costs. These unit rents are then multiplied by the physical quantities countries extract or harvest to determine the rents for each commodity. The labels are Brazil (1), Canada (2), Russia (3), Korea (4), Australia (5), Mexico (6), Indonesia (7), Saudi Arabia (8), Turkiye (9), Switzerland (10), Thailand (11), Argentina (12), Nigeria (13), EU shown excl. UK.

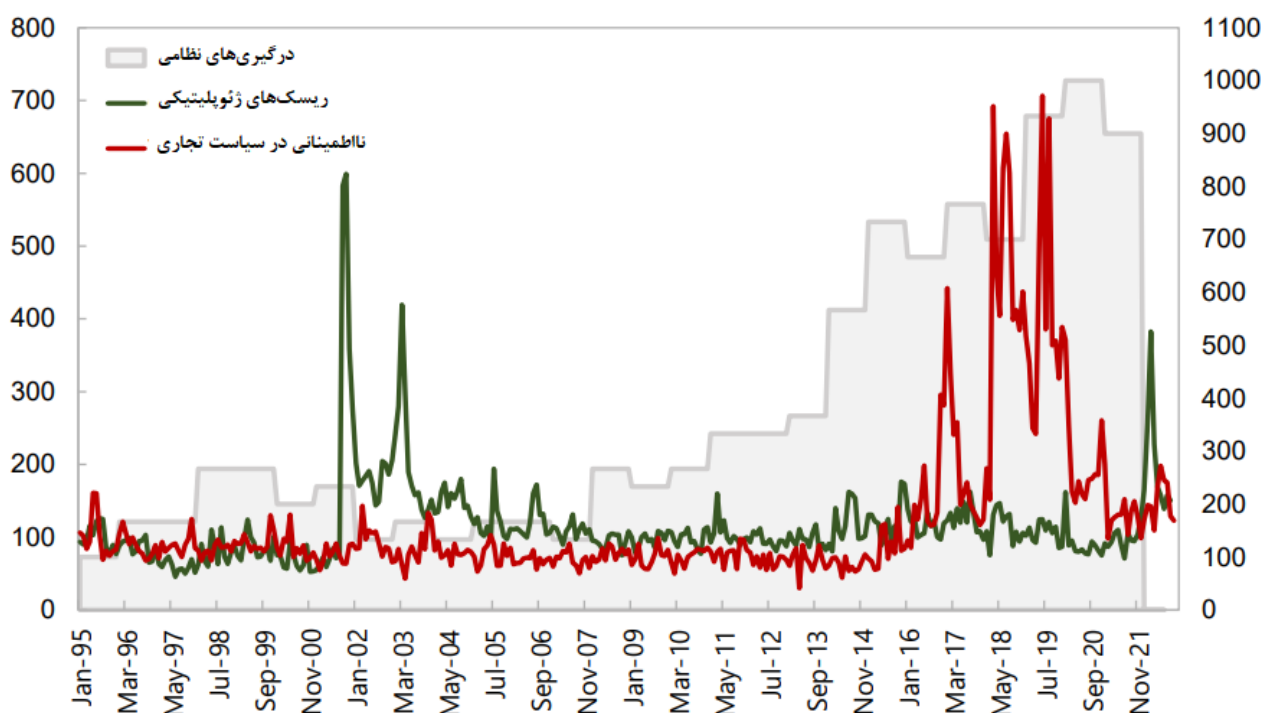
شکل ۳. نظام اقتصاد جهانی، ۱۹۹۵ در مقابل ۲۰۱۹ (اقتصادهای پیشرفته به رنگ آبی، بازارهای نوظهور به رنگ سبز)

کاهش سهم اقتصادهای پیشرفته در تولید جهانی حتی چشمگیرتر بوده است، به طوری که چین اکنون تقریباً یک سوم ارزش افزوده تولید جهانی را به خود اختصاص داده است (بر اساس داده های بانک جهانی). بازارهای نوظهور اصلی، همچنین به منبع مهمی برای سرمایه‌گذاری خارجی در سایر کشورها تبدیل شده‌اند، در حالی که چند دهه پیش، در جایگاه «کشور پذیرنده سرمایه» قرار داشتند. در وضعیتی که اقتصادهای پیشرفته، موقعیت غالب خود را در بخش‌های مالی، فناوری پیشرفته و نظامی حفظ کرده‌اند، بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه اما سهم بیشتری از جمعیت جهانی و عرضه کالاهای اولیه و همچنین سهم رو به رشدی از تولید را به خود اختصاص داده‌اند. بر همین اساس، می‌توان استنباط کرد که تکامل الگوهای تجاری، منعکس‌کننده این تغییرات اقتصادی بوده است و درست بر همین مبنا، چین به بزرگترین شریک تجاری برای تعداد فزاینده‌ای از کشورهای جهان تبدیل شده است.

با وجود منافع آشکار، نارضایتی از جهانی‌شدن در حال افزایش است. از سوی دیگر، مزایای یکپارچگی اقتصادی جهانی عموماً به خوبی شناخته شده است که هزینه‌های مبادله کمتر، قیمت مصرف‌کننده پایین‌تر، کارایی اقتصادی بیشتر از طریق تخصصی‌شدن، گسترش پر شتاب فناوری و کاهش قابل‌توجه فقر شدید از مهمترین آن‌ها است. از طرف دیگر، نارضایتی از جهانی‌شدن به دلیل

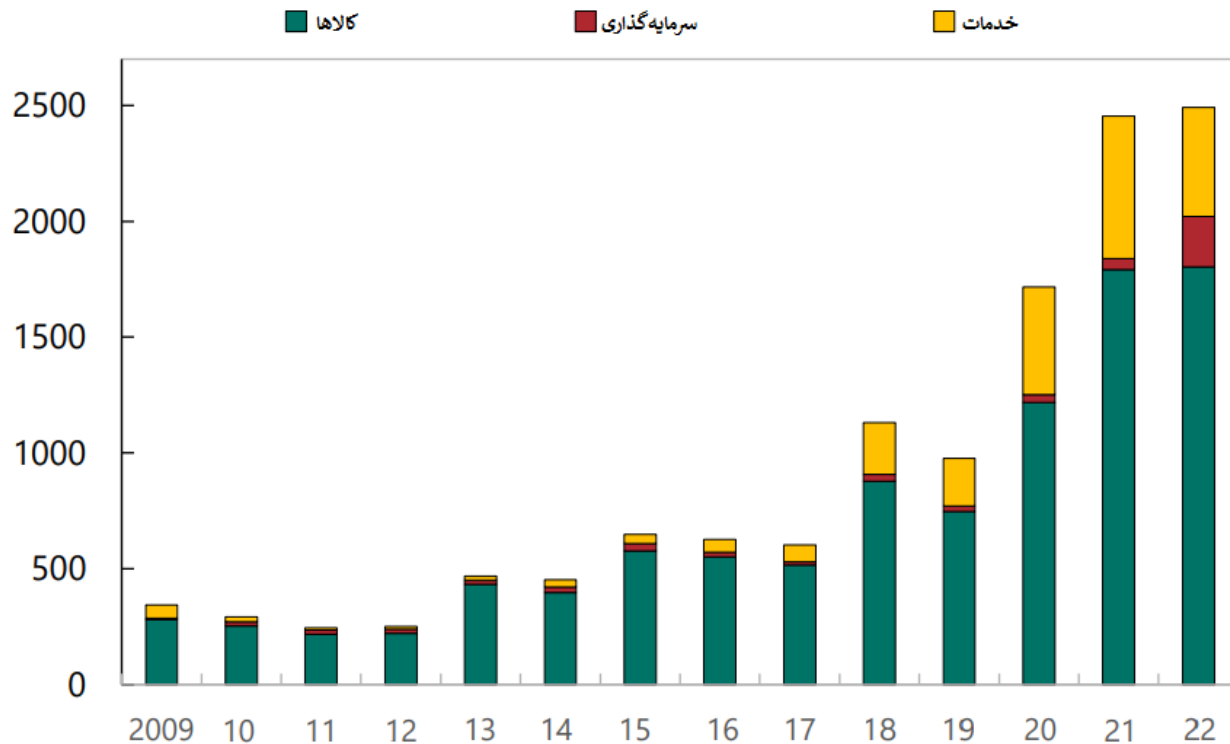
تأثیرات توزیعی واقعی یا ادراکی، از جمله کاهش سهم نیروی کار از درآمد و نابرابری‌های مرتبط با مهارت، به شکل‌های دیگری بارز شده است. افزایش درآمد گروه «۱ درصد پردرآمد»، به افزایش نگرانی‌ها در مورد اجماع بر سر «نابرابری در جهانی شدن» دامن زده است. نظرسنجی «مجمع جهانی اقتصاد» در سال ۲۰۲۱ - که حمایت از جهانی شدن را در ۲۵ کشور اندازه‌گیری کرده - نشان می‌دهد که حمایت از جهانی شدن و تجارت کاهش یافته است. نیمی از پاسخ‌دهندگان از مزایای آن مطمئن نیستند و یک‌سوم نیز از افزایش موانع تجاری حمایت می‌کنند.

افزایش نارضایتی از جهانی شدن به «پوپولیسم سیاسی» و «تنش‌های تجاری» دامن زده است. همچنین تشدید تنش‌های تجاری میان آمریکا و چین در سال ۲۰۱۸ به «افزایش نااطمینانی اطمینان در سیاست تجارت جهانی» منجر شده (شکل ۴) و به فلج‌شدن سازوکارهای اختلاف تجاری چندجانبه کمک کرده است. افزون بر این، بیشتر شدن تنش‌های ژئوپلیتیکی، منجر به افزایش به‌کارگیری سیاست‌های حمایت‌گرایانه و اعمال محدودیت‌های فرامرزی بیشتر در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با حوزه امنیت ملی شده است.



شکل ۴. ریسک‌های ژئوپلیتیکی، درگیری‌های نظامی و نااطمینانی در سیاست تجاری (۱۹۹۵ = ۱۰۰)

در حالی که هنوز نشانه‌های واضحی از «چندپارگی» در داده‌های تجاری (به غیر از کشورها و نهادهای تحریم‌شده) وجود ندارد، شمار «اقدامات حمایتی»، در حال بیشتر شدن است. داده‌های «پایگاه داده هشدار تجارت جهانی» افزایش تعداد محدودیت‌های تجاری اعمال‌شده توسط کشورها را نشان می‌دهد، به ویژه در بخش‌های فناوری پیشرفته که احتمالاً با امنیت ملی یا رقابت‌های استراتژیک مرتبط هستند (شکل ۵). افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی به گسترش محدودیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز کمک کرده است.



Sources: Global Trade Alert (2022), updated as of December 7, 2022

شکل ۵. محدودیت‌های تجاری اعمال شده (تعداد)

قانون اخیر ایالات متحده در حوزه «کاهش تورم» نیز حاوی مقرراتی است که هدف آنها «ایجاد مشوق‌هایی برای تولیدکنندگان داخلی» است که در برخی موارد به ضرر تولیدکنندگان خارجی تمام خواهد شد. سایر اقدامات اخیر شامل «قانون تراشه‌های اروپایی» نیز از همین جنس است. ارائه پشتیبانی از فناوری‌ها و کاربردهای نیمه‌رساناها در اتحادیه اروپا یا برنامه حمایتی «ساخت چین ۲۰۲۵» که به دنبال بهبود رقابت‌پذیری چین در تولید با «فناوری پیشرفته» است همگی نمونه‌هایی از افزایش «چندپارگی ژئوآکونومیک» در جهان است. چنین اقداماتی - که اغلب با انگیزه ملاحظات امنیت ملی یا امنیت اقتصادی انجام می‌شود - خطر کاهش دسترسی جهانی به فناوری‌های پیشرفته را افزایش می‌دهد و پیامدهای نامطلوبی برای اقتصاد جهانی به همراه دارد.

زنجیره تامین؛ زیر ساطور حمایت!

شرکت‌ها به‌طور فزاینده‌ای بر انعطاف‌پذیری زنجیره تامین خود تمرکز می‌کنند. در حالی که چنین حرکتی عموماً به دلیل تمایل مشروع برای به حداقل رساندن خطرات امنیتی و لجستیکی انجام می‌شود، در برخی موارد، مسائل مربوط به انتخاب «محل

کارخانه‌های تولیدی» ممکن است به جای در نظر گرفتن ملاحظات مرتبط با بهره‌وری، بر اساس مصالح دولتی هدایت شوند. در حالی که شواهد نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری زنجیره تامین در برابر شوک‌ها با تنوع‌بخشیدن به منابع نهاده‌ها بهتر عملی می‌شود، شرکت‌ها در عوض ممکن است برای مقابله با ریسک‌ها، درون‌سپاری (reshoring) یا دوست‌سپاری (friend shoring) را مدر نظر قرار دهند. در واقع، به نظر می‌رسد که ذکر واژگان کلیدی مانند «درون‌سپاری (reshoring)» «نزدیک‌سپاری / near-shoring» و «onshoring» به طور قابل توجهی در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها افزایش یافته است.

همچنین باید توجه داشت که رقابت‌های استراتژیک بین دولت‌ها و بدبینی نسبت به «اشتراک‌گذاری دانش» نیز به طور فزاینده‌ای به چشم‌انداز اقتصاد جهانی آسیب می‌زند. ارائه یارانه‌های هدفمند به صنایع استراتژیک توسط دولت‌ها، باعث ایجاد انحراف در بازار شده است. رفته‌رفته مشخص شده است که چنین طرح‌هایی با بهره‌وری شرکت‌ها ارتباط منفی دارند و به ایجاد «ظرفیت مازاد» در برخی بخش‌ها منجر خواهند شد.

راه پیش رو

با افزایش خطر «چندپارگی ژئواکونومیک»، مهم است بدانیم که حفظ و حراست از مزایای جهانی‌شدن و چندجانبه‌گرایی، ارزش قابل توجهی دارد. جهانی‌شدن، به بهبود استانداردهای زندگی در بسیاری از کشورها کمک کرده است و بیش از یک میلیارد نفر در دهه‌های اخیر از فقر شدید خارج شده‌اند. با افزایش تنوع و وابستگی متقابل در اکونظام اقتصاد جهانی، تنش‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی تشدید شده است که این مساله به طور بالقوه می‌تواند منجر به وارونه‌شدن «فرایند یکپارچگی جهانی» شود. باید توجه داشت که هزینه «چندپارگی ژئواکونومیک» می‌تواند به‌ویژه برای کشورهای آسیب‌پذیر و مردم آن‌ها بسیار زیاد باشد. تلاش برای منتفع‌شدن از استراتژی‌های نو در زنجیره‌های ارزش جهانی یا اعمال اقدامات تبعیض‌آمیز علیه رقبای خارجی، می‌تواند به اقدامات متقابل منجر شود. در چنین فضایی، کشورهای آسیب‌پذیر به‌طور نامتناسبی تحت‌تأثیر قرار خواهند گرفت. برخی از کشورها ممکن است تصمیم بگیرند که به شکل قابل توجهی ضربه‌گیرهای داخلی را با هزینه کاهش تولید و حمایت اجتماعی در آینده افزایش دهند.

نظام چندجانبه مبتنی بر قوانین باید با اقتصاد جهانی در حال تغییر، سازگارتر شود. واقعیت‌های جدید شامل تغییر ماهیت تجارت، متنوع‌تر شدن فزاینده جهان چند قطبی، تشدید بی‌اعتمادی، و ناتوانی سازوکارهای چندجانبه فعلی، از پیامدها و آثار مخرب جهانی ناشی از این اقدامات یکجانبه است. این واقعیت‌های جدید، مستلزم بازنگری اساسی در مورد چگونگی رسیدگی به رفع تهدیدات وجودی جهانی (مانند تغییرات آب‌وهوایی، همه‌گیری‌های جهانی و...) و اجتناب از چندپارگی بی‌سابقه در حین ارتقاء قوانین چندجانبه برای اطمینان از همکاری در زمینه کالاهای عمومی، رقابت منصفانه و حمایت کافی از آسیب‌پذیرترین قشرها در جوامع گوناگون است.

کاهش خطرات و پیامدهای ناشی از «چندپارگی ژئواکونومیک» نیازمند بکارگیری یک رویکرد عملی و چندجانبه است. در محیط ژئوپلیتیک کنونی، پیشرفت از طریق «اجماع چندجانبه» ممکن است همواره گزینه‌ای امکان‌پذیر نباشد. مساله «اعتماد»، بسته به میزان همسویی ترجیحات و اقدامات کشورها، به طور تدریجی قابل بازسازی است:

۱. در زمینه‌های مورد علاقه مشترک (مانند کاهش تغییرات آب‌وهوایی، امنیت غذایی، آمادگی برای همه‌گیری‌های جهانی) تلاش چندجانبه بهترین رویکرد برای پیشرفت به سوی اهداف مشترک است.

۲. در مناطقی که ترجیحات کشورها به خوبی همسو نیستند و مذاکرات چندجانبه متوقف می‌شود، ابتکارات چندجانبه شفاف و بدون تبعیض می‌تواند یک راه عملی رو به جلو باشد.

۳. در مناطقی که اولویت‌ها همسو نیستند و کشورها به طور فزاینده‌ای به اقدامات یکجانبه متوسل می‌شوند، برای کاهش سرریزهای منفی جهانی و محافظت از افراد آسیب‌پذیر می‌توان به «سپردهای محافظ» رجوع کرد. سپردهای محافظ می‌تواند شامل مشاوره‌های چندجانبه و همچنین تشریح هنجارهای رفتاری مورد توافق مشترک (مانند توافق‌نامه‌هایی در مورد «کریدورهای امن» برای حصول اطمینان از برقراری حداقلی جریان داشتن کالاها، خدمات و امور مالی حیاتی) باشد. تشکیل چارچوبی برای رایزنی‌های چندجانبه شامل اطلاع‌رسانی زودهنگام از دلایل بکارگیری برخی سیاست‌ها، توضیح منطق و اهداف آن، و بحث در مورد سرریزهای احتمالی فرامرزی آن‌ها و راه‌های حل و فصل آنها باشد. چنین فرایندهایی که موجب شفاف‌سازی بیشتر می‌شود می‌تواند به شناسایی پیامدهای ناخواسته و شاید راه‌های جایگزین برای دستیابی به اهداف سیاستی یکسان کمک کند و - در گذر زمان - به ایجاد دستورالعمل‌های مورد توافق مشترک منجر شود.